

رئیس کل دادگستری:
سرقت‌ها در گلستان کاهش یافته است



با استعدادیابی، آینده کبدی ایران
تضمین می‌شود



سلوک در مکتب شهید سلیمانی
یادداشت»



ادبیات
کودک و نوجوان

«۴-۵»



پاس در سه سوت
نسخه را پیچید

«۷»



کتابخانه سیاری که
شوق خواندن آفرید

«۸»

تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گران، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

یادداشت اول

معیشت

آخر خط است

■ احسان مکتبی

زندگی همواره فراز و نشیب خود را دارد. در این میان انسان‌ها تلاش می‌کنند خود را با این فراز و نشیب‌ها هماهنگ کنند، اما گاه دیگر توان هماهنگی را از دست می‌دهند و از آنجاست که فقر چهره منحوس خود را آشکار می‌کند. وقتی توانی برای ارتقا نمی‌ماند، پسروی‌ها آغاز می‌شود. ابتدا هزینه‌های آموزش از سبد خانوار کم می‌شود و کیفیت آن کاستی می‌گیرد، آنگاه در گام بعد می‌بینید که کتاب‌هایی که روزگاری چند هزار شمارگان داشته‌اند، به عده‌های غیرقابل باور می‌رسند. اندک‌اندک حذف آموزش از خانوار عادت می‌شود، اما فقر تمام‌شدنی نیست و به سراغ بهداشت و درمان می‌رود و آن را نیز پس از اندکی مقاومت خانوار از چرخه زندگی حذف می‌کند. دیگر برای خانواده آزمایش‌های مقطعی سلامت و... مفهوم خود را از دست می‌دهد و به پدیده‌های تزیینی تبدیل می‌شود. قامت‌ها خمیده‌تر می‌شود، سرخمه‌ها در هم‌تر و صاباها کوتاه‌تر، خانواده در حال له شدن در زیر دست و پای فقر است، اما تلاش می‌کند خود را سر پا نگه دارد، ولی فقر رهایش نمی‌کند. از در و دیوار تلخی می‌بارد. اینک که آموزش و مطالعه و بهداشت از خانوار رخت بسته است، نوبت خوراک و تغذیه است. گوشت و مرغ و... از سفره‌ها می‌روند و به پدیده‌هایی لوکس میل می‌شوند. خانوار ناچار است برای بقا ادامه دهد و غذای دیگری را جایگزین کند که از پس هزینه آن بر آید یا لقمه‌ها را کمتر کند، اما خانواده تا به اینجا با همه کاستی‌ها ساخته است و کوشیده است روی خود را با سیلی سرخ نگه دارد. از این پس ناتوانی خانوار در اقتصاد، خود را در پوشاک نشان می‌دهد. لباس‌ها مندرس می‌شوند و بی‌کیفیت. خانوار به ناچار به لباس‌ها و جامه‌های دست‌دوم روی می‌آورد و همزمان برای زندگی دست و پا می‌زند. به این‌گونه می‌بینید که در کمتر از یک دهه، از جامعه‌ای که اهل کتاب و دانایی بود، اهل پژوهش و تحقیق و نگاه به آینده و خانواده‌هایی که اهل شادمانی بودند...

ادامه در صفحه ۲

خرید گندم

کیفی شد

و غیرقابل‌دستکاری سنجش کیفی، می‌تواند به منبع اختلاف، نارضایتی و حتی فساد تبدیل شود. اگر کشاورز به نتایج آزمایش کیفیت محصول خود اعتماد نداشته باشد، یا احساس کند معیارها سلیقه‌ای اعمال می‌شوند، کل فلسفه این سیاست زیر سؤال خواهد رفت. از سوی دیگر، باید پذیرفت که هزینه تولید گندم با کیفیت بالا، به‌طور طبیعی بیشتر است. کود استاندارد، بذر اصلاح‌شده، کنترل آفات، مدیریت آب و استفاده از دانش فنی، همگی هزینه‌بر هستند. بنابراین اگر فاصله قیمتی میان گندم باکیفیت و معمولی معنادار نباشد، این سیاست به هدف اصلی خود نخواهد رسید و تنها به یک تغییر اسمی محدود می‌شود. در بُعد کلان‌تر، این مصوبه می‌تواند نقش مهمی در تقویت امنیت غذایی کشور ایفا کند. در سال‌هایی که نوسانات ارزی و تحریم‌ها واردات گندم را پرهزینه و پرریسک کرده، اتکا به تولید داخلی با کیفیت بالا نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت راهبردی است. گندم بی‌کیفیت، چه داخلی و چه وارداتی، در نهایت

مزمنی که سال‌ها میان کشاورزان دقیق و حرفه‌ای با تولیدکنندگان کم‌کیفیت برقرار بود. در نظام قبلی، گندمی که با مدیریت علمی، کود مناسب، بذر اصلاح‌شده و آبیاری اصولی تولید می‌شد، عملاً با همان قیمتی خریداری می‌شد که محصولی با کیفیت پایین و هزینه کمتر. نتیجه روشن بود؛ کاهش انگیزه برای ارتقای کیفیت و حرکت به سمت حداقل‌گرایی در تولید. اکنون اما سیاست جدید می‌خواهد این چرخه معیوب را اصلاح کند. گندم‌هایی با پروتئین بالاتر، افت کمتر، رطوبت استاندارد و وزن هکتولتر مناسب، مشمول قیمت‌های بالاتر خواهند شد. این رویکرد، در صورت اجرای صحیح، می‌تواند همزمان سه هدف کلیدی را محقق کند: افزایش درآمد کشاورزان متعهد، بهبود کیفیت آرد و نان مصرفی مردم، و کاهش وابستگی کشور به واردات گندم مرغوب خارجی. با این حال، این تصمیم هرچند امیدبخش، خالی از چالش نیست. نخستین و مهم‌ترین نگرانی، نحوه اجرای آن است. قیمت‌گذاری مبتنی بر کیفیت، بدون نظام دقیق، شفاف

مهران فجری - پس از سال‌ها مطالبه‌گری کشاورزان، کارشناسان و فعالان بخش کشاورزی، سرانجام شورای عالی قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی با خرید تضمینی گندم بر مبنای کیفیت محصول موافقت کرد؛ تصمیمی که اگرچه دیر هنگام است، اما می‌تواند یکی از مهم‌ترین اصلاحات ساختاری در سیاست حمایتی دولت از تولیدکنندگان گندم به شمار رود. بر اساس آخرین مصوبه رسمی، نرخ پایه خرید تضمینی گندم برای سال زراعی جدید حدود ۲۹ هزار و ۵۰۰ تومان به ازای هر کیلوگرم تعیین شده است. این قیمت، برخلاف سال‌های گذشته، یک نرخ ثابت و یکنواخت برای همه نوع گندم نیست، بلکه مبنایی است که قرار است براساس شاخص‌های کیفی گندم افزایش یا کاهش یابد. به بیان روشن‌تر، از این پس کیفیت، نه فقط کمیت، معیار ارزش‌گذاری دسترنج کشاورز خواهد بود. این تغییر رویکرد، در ظاهر یک تصمیم فنی و اقتصادی است، اما در باطن، پیامی اجتماعی و معیشتی با خود دارد: پایان دادن به بی‌عدالتی

ادامه یادداشت اول

معیشت آخر خط است

و بذله‌گویی، و مردانی که اهل ادب بودند و متانت و بانوانی که اهل صبر بودند و نجابت، خانواده‌هایی بر جای مانده‌اند که غم نان دارند، اما نانی برای خوردن ندارند. جوانان دیگر به دنبال پیشرفت و ارتقا نیستند. پسران و دختران نمی‌توانند زیر یک سقف زندگی مشترک را آغاز کنند. مرگ‌های ناگهانی بیشتر می‌شود. ادب از جامعه رخت بر می‌بندد. صداقت بی‌بهرتر می‌شود. دیگر محیط زیست و فرهنگ و... وجهی نخواهد داشت. خانواده‌ها در هم تکیده شده‌اند و کمربانشان خم شده است. اینجاست که دشنه سهمگین فقر به استخوان‌خوار می‌رسد و آنگاه فریاد برمی‌آورد تا در برابر نیستی مقاومت کند، زیرا بقا را حق خود می‌داند و می‌خواهد زندگی کند. بنابراین فراهم بودن حداقل معیشت، حق شهروندان است. نمی‌شود مدام با سیاست‌های نادرست، معیشت مردم را نابسامان کرد و انتظار آخ گفتن از شهروندان را هم نداشت. آن‌چنان که جناب حافظ می‌فرماید: خفته بر سنجاب شاهی نازنینی را چه غم گر ز خار و خار سازد بستر و بالین غریب سیاست‌های نادرست را با قطعیت اصلاح کنید تا زندگی شهروندان سر و سامان پیدا کند، والا وقت از دست خواهد رفت و آنگاه پشت دست گزیدن چه سودی خواهد داشت؟

صاحب امتیاز



دستگیری ۱۴ سارق و کشف ۲۷ فقره سرقت در گنبد کاووس

فرمانده انتظامی گنبدکاووس از دستگیری ۱۴ سارق و کشف ۲۷ فقره سرقت طی ۷۲ ساعت گذشته، در این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سرهنگ ستاد ناعدلی صادقی اظهار کرد: در پی اعلام سرقت‌های متفاوت به مرکز فوریت‌های ۱۱۰ پلیس، مأموران با اقدامات پلیسی و اشراف اطلاعاتی ۱۴ نفر را در ۷۲ ساعت گذشته شناسایی و با هماهنگی قضائی طی عملیات‌هایی مجزا و ضربتی آنان را دستگیر کردند. فرمانده انتظامی گنبدکاووس گفت: سارقان در تحقیقات پلیس به ۲۷ فقره انواع سرقت اعتراف، اموال مسروقه کشف و مالباختگان شناسایی شدند. صادقی با قدردانی از مشارکت هدفمند و مؤثر شهروندان با پلیس در انجام مأموریت‌های مختلف، از آنان خواست همواره هشدارهای راهبردی پلیس را در راستای پیشگیری از وقوع سرقت‌ها و محدود شدن دایره فعالیت سارقان مورد توجه قرار دهند. وی تأکید کرد: شهروندان هرگونه موارد مشکوک را در کوتاه‌ترین زمان ممکن از طریق سامانه تلفنی ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.

رئیس کل دادگستری:

سرقتها در گلستان کاهش یافته است



فعالیت‌ها، سبب رضایت نسبی در مردم شده است که باید استمرار یابد. وی از صدور سند مالکیت برای ۱۵ هکتار از اراضی متعلق به شهرداری گنبدکاووس یا عرصه‌های عمومی خبر داد و گفت: این اراضی که در آستانه زمین خواری توسط افراد سودجو با جعل مدارک و اسناد بود با تثبیت مالکیت به نفع شهرداری، صرف اجرای طرح‌های عمرانی، ایجاد فضای سبز و بوستان‌های شهری خواهد شد که یک نمونه آن امروز در شهرک فرمانداری گنبدکاووس برای احداث بوستان و زمین ورزشی اختصاص یافت. رئیس کل دادگستری گلستان همچنین با اشاره به برخی مشکلات مطرح شده توسط نمایندگان اهالی محله سیدآباد از جمله افت فشار یا قطع آب آشامیدنی، ضرورت بهسازی و تجهیز بوستان موسوم به بهمن به وسایل ورزشی جهت استفاده بانوان، ایجاد پاسگاه انتظامی و برخورد با معتادان متجاهر، افزود: این مشکلات توسط مدیران دستگاه‌های متولی بررسی و در صورت امکان برطرف خواهد شد.

یافته است. رئیس کل دادگستری گلستان، پاسخگویی به مطالبات مردم را وظیفه ذاتی مدیران دستگاه‌های اداری و اجرایی دانست و افزود: مساجد از بهترین مکان‌ها در برپایی میزهای خدمت مسوولان هستند که باید مورد اهتمام بیشتر مدیران و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی قرار گیرد. وی به وجود برخی اختلافات بین دستگاه‌های اداری و اجرایی گلستان هم اشاره کرد و گفت: این اختلافات نباید مانع از خدمت رسانی و اجرای طرح‌های عمرانی بویژه در مناطق محروم و کم برخوردار شود. آسیابی با قدردانی از تلاش مدیران گنبدکاووس بویژه شهرداری در انجام اقدامات عمرانی بالاخص در مناطق کم برخوردار این شهر، اضافه کرد: این

با استعدادیابی، آینده کبدی ایران تضمین می‌شود



رئیس فدراسیون کبدی با تأکید بر هدفمند بودن رقابت‌ها برای انتخاب ملی‌پوشان، گفت: با برنامه‌ریزی، استعدادیابی و حضور ۲۰ لژیونر در لیگ ستارگان جهان، آینده کبدی ایران تضمین شده است. به گزارش روابط عمومی، مهدی اورسجی اظهار کرد: هدف از برگزاری مسابقات انتخاب دقیق و مطلوب بازیکن‌های تیم ملی ما است و مطمئن هستم اعضا کمیته فنی ما تیم بسیار قدرتمندی را انتخاب خواهند کرد. وی با تأکید بر اینکه بعد از این رقابت‌ها اعضا کادر مربیان تیم ملی هم مشخص می‌شود، ادامه داد: خوشبختانه همه استان‌های کشور در رشته کبدی فعال هستند و قدرت‌های خیلی خوبی در ورزش کبدی پیدا شده و این نشان می‌دهد که استعداد و پتانسیل در

همه کشور ما در کبدی وجود دارد. اورسجی افزود: ما با یک برنامه ریزی همگانی که یکی از استراتژی‌های فدراسیون است شرایط را برای همه استان‌ها فراهم کردیم که بتوانند در همه رده‌های سنی در رقابت‌ها

شرکت کنند. رئیس فدراسیون کبدی با تأکید به نخبه پروری گفت: در نظر داریم با استعدادیابی پشتوانه سازی تیم‌های ملی را انجام دهیم تا در سال‌های آینده هم کبدی ایران خوش بدرخشد. وی با بیان اینکه تیم ملی

همیشه یک پای فینال رقابت‌های برون مرزی بوده است، اظهار کرد: ۲۰ لژیونر در لیگ ستارگان جهان داریم که جوانان بسیار با ارزشی به لحاظ تکنیکی هستند. مدیرکل ورزش و جوانان استان گلستان بعد از قهرمانی تیم گلستان در این رقابت‌ها گفت: در این رشته ملی پوشان بسیار خوبی داریم که مدال‌های خوش رنگی کسب کرده‌اند. قاسمعلی برزمینی ادامه داد: با توجه به استعدادهای بسیار خوب در این رشته، وظیفه ما این است که زیرساخت‌ها را در این رشته آماده کنیم. وی با اشاره به اختصاص یک خانه کبدی در سرخندکلاته افزود: زیر ساخت خانه کبدی محمدآباد آماده و عملیات اجرایی آن آغاز شده تا بتوانیم این سالن را در اختیار هیأت کبدی قرار بدهیم.

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به واگذاری رفع سد معابر شهری و پاکسازی فضاهای عمومی در چارچوب قانون (انضباط شهری) (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه (سالانه) ۶۰۸/۸۹۸/۳۰۰/۰۲۴ ریال از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت‌ها و موسسه‌های واجد شرایط می‌توانند از روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ لغایت مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

مجید طاهری - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۲۰۸۵۷۲۵



بیش از این نیست. نقطه شروع تحول این افراد از انقلاب است و این نورافکن را امام(ره) در ایران انداخت و این افراد جوشیدند. در واقع نفس قدسی امام این عالم معنا را به وجود آورد. مرحله دوم صعود سردار سلیمانی، دفاع مقدس بود. ظاهر نشان می دهد، ایشان آن زمان با افرادی هم‌رمز بودند که از نظر معنوی از آن‌ها فروتر بوده‌اند.

مرحله سوم بسط این شخصیت معنوی است و این ۳۰ سال، فرصتی بوده تا شهید سلیمانی از هم‌زمانش بالاتر برود. دلباختگی مردم به این شخصیت به این دلیل است که این شهید بزرگوار ساخته و پرداخته رسانه‌ها نبود و مقبولیت ایشان کاملاً طبیعی بود. این نشان می دهد، وقتی کسی اخلاص داشته باشد، خداوند محبت او را در دل‌ها قرار می دهد. این کتاب در مواجهه‌ای که با سلیمانی داشته از دو جهت قابل بررسی است. منطق شهید سلیمانی، منطق جذب حداکثری بوده، صلح کل نبوده و نحوه مواجهه با مردم را به ما یاد می دهد. نویسنده کتاب در جایی اشاره می کند که: «این کتاب شاید قطره‌ای در برابر عظمت وجود و خدمت سردار سلیمانی به اسلام باشد که خداوند توفیق نگارش آن را رفیق ما ساخت. ما در طول عمر یکبار هم با ایشان ارتباط نداشتیم. شاید سؤال شود پس چگونه درباره حاج قاسم کتاب نوشته‌اید؟ در پاسخ این سؤال عرض می کنم که ما باید حشر و نشر متافیزیکی با سردار داشته باشیم و آنچه از فعالیت‌های متعدد ایشان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برای ما روایت می کنند، تبیین کنیم تا نشان دهیم شهید سلیمانی، فرزند اسلام و فرزند این انقلاب است. بر عهده همه افراد است که آنچه از متن زندگی سردار سلیمانی می‌دانند، بنویسند تا روایت‌ها تبدیل به درایت‌ها شود و بُعد تبیینی و تربیتی شخصیت ایشان در میان نسل‌ها به یادگار بماند و به خاطره‌گویی از سردار سلیمانی اکتفا نکنیم و سردار سلیمانی را به عنوان الگو و اسوه معرفی کنیم. سردار سلیمانی مُرید و مُرادِ چون رهبر معظم انقلاب اسلامی بود و بعد به جایی رسید که خودش مُراد شد. این کتاب به سرداری می‌پردازد که هم سجاد‌نشین بود و هم در سنگر مبارزه می‌کرد، هم اهل مناجات در شبانگاه بود هم با استکبار جهانی درافتاد و آن‌ها را به زانو درآورد. معنویتی که در کتاب از آن صحبت شده، یعنی ارتباط با خدا و نشان دادن این ارتباط در متن زندگی است. شاکله فکری شهید سلیمانی را استاد مطهری ساخت و آخرین کتابی که سردار در آخرین روزهای حیاتش مطالعه می‌کرد، کتاب «انسان کامل» شهید مطهری بود.

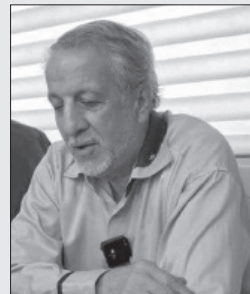
کتاب سلوک در مکتب سلیمانی ارائه اصول و ریشه‌های اصلی سیر انفسی و تعالی وجودی انسان سائرالی‌الله و مسافرکوی دوست است که در طول چهل سال سلوک توقف ناپذیر فعال و نه منفعل، پویا و دینامیک نه ساکن و استاتیک آن هم در سایه شجره طوبه ولایت تلام و تحقق داشت و مفاهیمی چون هجرت و جهاد را قرین



سلوک در مکتب شهید سلیمانی

معرفی اجمالی کتاب سلوک در

مکتب شهید سلیمانی نوشته محمد جواد رودگر



محمد دیلم کنولی

این کتاب قطره‌ای در برابر عظمت خدمات سردار به اسلام است. شهید سلیمانی باعث افتخار و وحدت بخش بود و جاذبه و دافعه‌ای شبیه پیروان امام علی(ع) را داشت. ایشان شخصیتی با ابعاد مختلف نظامی و اخلاقی برجسته بود و خداوند مهر خودش را در دل مردم انداخت که ایشان را دوست داشته باشند. در دفاع مقدس از همه استان‌ها لشکریانی جمع شده بودند، اما سردار سلیمانی، حجت وسیع‌تر رزمندگان را از کشورهای مختلف جمع کرده بود و برادران افغانستانی و پاکستانی را تبدیل به جریانی بزرگ کرد. حشدالشعبی، فاطمیون، زینبیون و غیره را تشکیل داد. در واقع نمونه‌ای از امام علی(ع) در این دوره ظاهر شد که با همه فرقه‌ها کار کرد و هیچ‌گاه از فرق و احزاب نام نبرد و دنبال هدف اصلی بود. ایشان وصیت‌نامه خود را این‌گونه شروع می‌کنند که: «خدا یا شکر که من را در زمانی قراردادی که خمینی کبیر(ره) در آن زمان قرار داشت. شیدایی عارفانه چیزی

ادعیه و نیایش‌ها و... و در عام مطلق فعالیت‌های سالک را با قید «قیام الله» یا برای «خدا بودن»، انجام تکالیف فردی و اجتماعی در ابعاد مختلف از خرد و کلان را دربرگیرد و سلوک در مکتب سلیمانی، سلوک خاص و عام است تا شامل همه ساحات (عرضی) سطوح (طولی) شده و سلوک اخلاقی، سلوک با همسر و فرزندان، سلوک اقتصادی، سلوک عبادی، سلوک سیاسی، سلوک فرهنگی و اجتماعی، سلوک نظامی و امنیتی را با مراتب و درجاتی که دارند دربرگیرد؛ در پایان بحث آخرین دست خط منتشر نشده شهید سلیمانی برای خانواده شهدا را بازخوانی می کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم
با عرض سلام و امید به دعای خیرتان در این نیازمندی و اوج درماندگی آنچه مسلم است و خداوند سبحان قطعیت آنرا مورد تاکید قرار داده است این است که مجاهدین راه خود را دوست دارد و راه های متعدد وصول بخود و معرفت قرب الهی را به آنها می نمایاند و اگر به مرتبه بالاتری همچون شهادت برسند آنها را به سرانجامی می‌رساند که بشریت از درک چگونگی آن عاجز است و آن مقام زندگی ابدی و عندرهم یرزقون است انسانی که توفیق پیدا می‌کند به چنین شایستگان برگزیده ای که خدمت کند اجرا و یقینا اجر و نوعی شهادت و مجاهدت است ضمن اینکه نشاناند لبخند بر لبان یتیمانی که هستی خود را در راه خداوند سبحان از دست داده اند و در دوره نیاز خود را بخاطر آسایش و امنیت دیگران از لذت بخش ترین و معنوی ترین هدیه الهی در این عالم خاکی یعنی پدر محروم نموده اند خدمتی غیر قابل ارزش گذاری است.

شاعر جانباز و فعال رسانه

عمل صالح و اخلاص کرد و تفسیر عینی و نشانی‌های بی نشانان را در سبک سلوک فردی و اجتماعی نشانمان داد. در این کتاب سلوک سلبی و ایجابی سردار پرافتخار، تمام ناشدنی، نامیرا و جاودانه امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای را در زمینه‌های طوبه متجلی می‌سازد، که چگونه انسان در پرتو معرفت، محبت، عبودیت، سرعت و سبقت توأم با مراقبت نفس می‌تواند فرشته صورت و فرشته سیرت شده و به تدریج پا را فراتر از فرشتگان گذاشته و روح ریحانی و رحمانی یابد. سلوک در مکتب سلیمانی نمی‌ازیم وجود بهشتی و بهشت وجودی مالک اشتر زمان است که برخی مبانی و مولفه‌ها، شاخص‌ها و معیارهای زندگی انقلابی را در قالب سیر و سلوک در متن زندگی نه در خلوت و خلسه تبیین کرده است. در این مکتب برترین کمال و بزرگ‌ترین کرامت «عبودیت» است و همه این حقایق ذیل و ظل «امامت و ولایت» تعریف پذیر و تحقق یابنده‌اند، همان‌طوری که در حدیث: «بناعرف الله، بناعبده الله، بنا وحالله» نیز بدان تصریح شده است. آنچه از واژه «سلوک» متبادر به ذهن می‌شود، سلوک عرفانی است و این تبادر نیز علامت «حقیقت» است، لکن با عنایت به مبانی و منابع وحیانی عرفان، سلوک به امور باطنی و عبادات متعارف و افکار و اعمال خاص عبادی منحصر نیست، بلکه سلوک عرفانی در معارف وحیانی قابلیت تعمیم در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته و همه اضلاع و ابعاد زندگی سالک را شامل می‌شود؛ بنابراین سلوک مصداق‌های مختلفی را در بر می‌گیرد، در واقع بر اساس نصوص و آموزه‌های دینی می‌توان سلوک معنوی- باطنی را به سلوک: الف) عبادی خاص ب) عبادی عام تقسیم کرد تا در خاص مصداق‌هایی مثل نمازها و روزه‌های واجب و مستحب، ذکر خدا،



سازمان نظام مهندسی ساختمان
استان گلستان

آگهی مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان

در اجرای مواد ۵۲، ۵۳ و ۵۴ آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، نوبت اول مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ ساعت ۱۳ در محل سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان برگزار می شود. در صورت به حد نصاب نرسیدن نوبت اول، نوبت دوم مجمع روز دوشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۲۵ از ساعت ۱۳ الی ۱۶ در محل کانون طه گرگان (خیابان شهید رجایی- جنب استخر معلم) برگزار خواهد شد.

دستور جلسه: - استقراریات رئیس موقت

- استقراریات رئیس اصلی

- استماع گزارش عملکرد سالیانه هیات مدیره سازمان

تعیین حق الزحمه ارکان سازمان (هیات مدیره، شورای انتظامی و بازرسان برای سال ۱۴۰۵)

- تعیین حق ورودی، حق عضویت و سایر درآمدهای سال ۱۴۰۵ به استناد مواد ۹ و ۳۷ کتاب قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان

- بررسی و تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۵



سازمان نظام مهندسی ساختمان
استان گلستان

آگهی مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان

در اجرای مواد ۵۲، ۵۳ و ۵۴ آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، نوبت اول مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۰ ساعت ۱۳ در محل سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان برگزار می شود. در صورت به حد نصاب نرسیدن نوبت اول، نوبت دوم مجمع روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ از ساعت ۱۳ الی ۱۶ در محل کانون طه گرگان (خیابان شهید رجایی- جنب استخر معلم) برگزار خواهد شد.

دستور جلسه:

- استقراریات رئیس موقت

- استقراریات رئیس اصلی

- انتخاب بازرسان

یادداشت دبیر صفحه



آزاده حسینی

«گویند سنگ لعل شود در مقام صبر»
یکی از چیزهای آوردنی؛ «طاقت» است.
«طاقت بیاور!» صبر کن! تحمل کن!
صبر به عنوان «ایستادن» نه سکوت. صبری که فقط تحمل نیست. گاهی صبر یعنی ایستادن،

دوام آوردن و نشکستن. شکیبایی که انسان را کارازموده می کند. هرچند که با هیجان و سرعت این روزگار چندان سازگار به نظر نمی رسد. اما صبر نوعی تاب آوردن آگاهانه است و با سکوت و تسلیم فرق می کند. صبر نوعی سرمایه اجتماعی است. آدم های صبور زود خشمگین نمی شوند. اما آدم بی طاقت، در برابر رویدادهای ناگهانی و پیش بینی نشده، زود می شکند و نا امید می شود. پس صبر ما سرمایه پنهان ماست که موجب دوام ما در مشکلات خواهد شد. این روزهای آزمون مدرسه و دانشگاه و شب بیداری ها، هوای سرد و شیوع آنفلوآنزا و... ذهن و زندگی بسیاری از ما را به خود مشغول داشته؛ اما ما همچنان ادامه می دهیم. شاید صبر معجزه نکند، ولی انسان را زنده نگه می دارد. و این زندگی است که با تمام توان و قدرت ادامه دارد. شما از «تاب آوردن» های خود برای ما بنویسید! هر چیزی را به چه بهایی طاقت می آورید؟! تا کنون از تجربه صبر چه نتیجه ای گرفتید؟!

عجب آسمانی

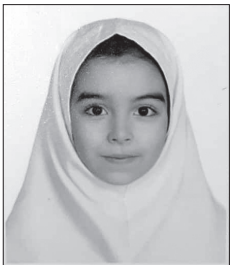


سیده زهرا علوی نژاد

توانستم ابراز کنم احساسات را؟
یا فقط عقل بود که می گفت ممنوعه است وجود ما؟
پس از تو
خواهم برید از خویشتن
پس از تو،
جانی نمی ماند در این تن
خداحافظ زیبایی ممنوعه
خداحافظ ای که بود برایم وطن

طوطی تپل

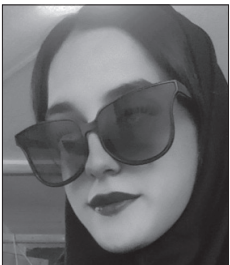
کار در کلاس استفاده از ت پ



سیده نیکا موسوی

تابستان بود و طهورا یه تشت پر از پرتقال آورده توی حیاط ساختمان و هی به پسر طبقه پنجم پرتقال پرتاب میکنه طاهار از طبقه بالاتر توپ رو طوری زد توی سر طهورا که طهورا نتونست جلوی گریه اش رو بگیره و تانونست داد زد و اشک ریخت. حالا دعوا سر چی بود؟! سر یه طوطی تپل که توی ساختمان پیدا شده بود. دیروز بچه ها اونو دیده بودند که نشسته توی طاقچه ای که روی دیوارحیاط بود و هر کس سعی می کرد اونو واسه خودش ببره.

نگاه او



مینا کوه کن

من در نگاهش غرق شدم
نگاهی از جنس آتش و آب

نگاهی که عمقش ته تمام اقیانوس ها را روشن می کرد
ماه در آسمان می درخشید و او در قلمب چهره اش، برق شبنم مانده بر دل صبح آیا به یاد نمی آوری عشق فرهاد و شیرین را؟
من نیز برای رسیدن به تو
تیشه ای در دست دل دارم
و کوهی از فاصله تا پیش رو

کاغذ بی پناه



فاطمیما عقیلی

سوگند خبلی

عاشقی از فراق یار
درد هایش را به چاه می گفت
از آتش و در و پهلوی
با اشک بسیار می گفت
نمیدانم چه آمد بر سر آن چاه
یا که از اشک چشم های علی پرآب
میگشت
یا که از روضه آتش وگل
خشک می گشت
ولیکن خوب میدانم
در میان آن غریبی
تنها چاه دور سر
غم علی می گشت.

ستاره کوچولو



بهار جام خورشید

در یک روز نورانی، دختری به نام ستاره با یک دفترچه و مداد و کلبه ای کوچک در منطقه ای دور افتاده در سیاره زمین زندگی میکرد. او همیشه برای تامین غذای خود به بیرون می رفت و حیوانات آنجا را شکار می کرد و می خورد. او عاشق فضا بود و هر وقت که هوا تاریک می شد، بیرون می رفت و آنجا می نشست و به آسمان خیره می شد و در این فکر بود که یک روز به فضا سفرکند، اما نمی توانست. چون چیزی نداشت که با او

به فضا برود. یک روز آسمان عصبانی بود و صدهای ترسناکی در می آورد. ستاره از ترس زیر پتوی کهنه بود و از ترس چشمانش را بست. وقتی چشمانش را باز کرد از زیر پتو بیرون آمد. آن کلبه اش خیلی زبا شده بود وقتی در اتاقش را باز کرد تا به بیرون برود انگار وارد سفینه شده بود و بسیار شگفت زده شد. با خود گفت: «آیا من خوابم یا بیدار؟» نمی دانم آیا در زمین هستم یا فضا؟ کلی سوال در سرش شناور بود وقتی در سفینه را باز کرد، در سیاره دیگری بود. با خودش گفت: «اینجا دیگر کجاست؟!» در همین فکر بود که یک آدم فضایی آمد و با صدای بلند گفت: «شما در سیاره کلپر۶۹سی هستید نام شما چیست؟» ستاره با ترس گفت: «من!» من ستاره هستم شما کی هستید؟! او با لبخند گفت: «من سونیا هستم دوست جدید شما!» من سال های سال در این سیاره زندگی می کنم و این سیاره را دوست دارم! ستاره با تعجب گفت: «یکی از آرزوهایم این بود که به فضا بیایم. من در سیاره زمین زندگی می کنم. آیا امکانش هست به من اینجا را نشان دهید؟!» سونیا با خوشحالی گفت: «چرا که نه! بیا دنبالم تا به شما اینجا را نشان دهم». او جاهایی رفت که ستاره تا حالا ندیده بود و از این بابت خیلی شگفت زده بود و همچنین خوشحال، چون به فضا سفر کرده بود. وقتی سونیا همه جا را به ستاره نشان داد، نفسی تازه کرد و گفت: «از اینجا خوشت آمد؟ دوست داری اینجا زندگی کنی؟» ستاره بعد از سکوتی عمیق گفت: «من از اینجا خوشم آمد. اما دوست دارم همان جایی که زندگی می کردم؛ زندگی کنم». سونیا با تعجب گفت: «مگر تو تنها زندگی نمی کنی؟! وسایلی هم که نداری و غذا خوردن هم برایت سخت است پس اینجا بمان!» ستاره با عصبانیت گفت: «نه من دوست دارم همان جایی که زندگی می کردم زندگی کنم. چون به آنجا عادت کردم. من که به آرزویم رسیدم و فضا را دیدم، اما با این حال دوست دارم به زمین بروم». سونیا کمی فکر کرد و گفت: «من می توانم تو را به زمین ببرم و برایت وسایلی فراهم کنم و به تو بدهم و در زمین زندگی کنی و من هم دوباره به کلپر۶۹سی برگردم ستاره با خوشحالی گفت: «خیلی ازت ممنون هستم. این لطفت را هیچ وقت فراموش نمی کنم». سونیا سفینه را روشن کرد و ستاره را به زمین برد و وسایلی را که با خود برده بود را به ستاره داد و ستاره توانست با آن وسایل زندگی راحت تری داشته باشد و هر شب به بیرون می رفت و سیاره را تماشا می کرد.

۱

درختان بلند، باد وحشی
آسمان طوفانی
زمین نم دار
ابرهای نرم و پشمنی
هوایی بی خورشید
عجب بارانی!
باد این سو و آن سو
ابرها به دنبال هم
برگ ها به پرواز
عجب آسمانی!
درختان، رقصان
شاخه ها لرزان
لب جنگل، خندان
ابرهای پویان
باد به دنبال رسیدن
احوالپرسی درختان و باد
برنده شدن ابر
پایان طوفان
پایان رقص درختان
اما باز هم
عجب بارانی!
لب زمین نرم و تر از خوشی
زیر لب می گوید
عجب آسمانی

۲

پس از تو
رویی با تو بودن را
به گور خواهیم بُرد
پس از تو
در شب ها
که ستاره خواهد شمرد؟
پس از تو،
دوری من از خودم
به راستی
آخرین بار
کنارتِ کیِ خودم بودم؟

در حالی که مریم و مهشید هم می خواستند فرار کنند! مار مریم و مهشید را هم نیش زد. مهسا، مریم و مهشید به بیمارستان منتقل شدند و مار و مارمولک را هم گرفتند و به باغ وحش منتقل کردند. مهسا، مریم و مهشید هم که بعد از مدتی سلامت شدند، تصمیم گرفتند که به مشهد بروند. و در بازدید از باغ وحش مشهد، دوباره مار و مارمولک را دیدند.

کتاب های خواننده نشده



اسرا اعیلی- پایه هشتم

روزی روزگاری تصمیم گرفتیم در خانه تکانی به مادرم کمک کنیم. مادرم یک سری وسایل به من داد تا به انباری ببرم. وقتی رسیدم به انباری یک قفسه بزرگ کتاب های گوناگون خاک گرفته توجه مرا جلب کرد. نزدیک رفتم. کتاب ها آنقدر کثیف بودند که مجبور شدم با دستمال مرطوب آنها را تمیز کنم. وقتی تمیز شدند برگشتم تا دوباره به مادرم کمک کنم که ناگهان صدایی آمد. خیلی ترسیدم اما برگشتم تا ببینم این صدا از کجاست؟! همه جا را گشتم که یهو حس کردم صدا از قفسه کتاب هاست. یکی از کتاب ها گفت: «کنکه تو هم آمدی تا ما را پاره کنی یا ما را خط خطی کنی؟! گفتیم: «نه من آمدم تا ببینم شما چرا ناراحت هستید؟! نمی خواستم شما را بترسانم!» دوستان آنها که به من اعتماد کردند و گفتند: «پس تو چرا اینجا؟ دوست داری باهم درد و دل کنیم؟» قبول کردم و گفتیم: «چی شده؟» چه اتفاقی افتاده؟ اصلا چرا شما اینجا هستید؟! گفتند: «خیلی وقت پیش ما را خریدند و در کتابخانه شان چیندند. اما بعضی از ماها را دوست داشتند و من و این دوستانم که اینجا هستیم را به این انباری آوردند. حتی بدون اینکه ما را بخوانند و قبل از اینکه ما را به اینجا بیاورند. ولمان کردند و همه بچه ها ما را خط خطی کردند و برگه های ما را کنندند. من اول فکر کردم شما هم مثل آنها هستید!» پرسیدم: «خب چرا شما را نخواندند!» یکی دیگر از کتاب ها گفت: «من نمیدانم! ولی میدانم اگر ما را می خواندند، حتما خوششان می آمد ولی خب، نخواندند! و کاری هم از دست ما بر نمی آمد. خب این هم سر نوشت ما بود». همینطور در حال گفت و گو بودیم که ناگهان مادرم مرا صدا زد و مجبور شدم بروم و از کتاب ها خلاصی کنم. من رفتم اما هنوز مشتاق هستم که بدانم چرا آنها را نخواندند و در آن انباری متروکه رها کردند؟

کار کلاسی با حرف س



مهری ماه دلارامی

روزی روزگاری یک دختر با ادب و منظم به نام سارا بود. سارا روز سه شنبه ساعت هفت صبح مسابقه داشت. سارا خیلی خوشحال و شاد بود که در اتاق خود روی صندلیش نشسته بود و داشت فکر می کرد، مادرش او را صدا زد و گفت دخترم: «دوست نرگس آمد که به مسابقه بروید.» سارا و نرگس با هم به محل مسابقه رفتند. ساعت هشت و سه دقیقه مسابقه شروع شد. سارا نفر اول شد و نرگس هم نفر دوم مسابقه شد. بعد از مسابقه نرگس و سارا شاد و سرحال به خانه سارا رفتند. سارا به خواهرش یسرا که از او سه سال و سه ماه و سه روز بزرگتر بود، گفت: «امروز در مسابقه دومانی من اول شدم و دوستم نرگس هم نفر دوم شد. دوست دیگرم ستایش نفر آخر شد و خیلی ناراحت به نظر می آمد و بچه های دیگر او را مسخره می کردند و می گفتند تو نفر آخر مسابقه شلی!» مری می خانم سمانه سالاری، گفت: «دخترهای گلم این کارهای شما اشتباه هست و ممکن است، دوست شما از شما دلخور شود و شما باید از او معذرت خواهی کنید.» همه دوست های ستایش کنار او رفتند و از ستایش معذرت خواهی و دلجویی کردند و از او خواستند که آنها را ببخشد.

کار کلاسی با حرف م



نرگس سادات سیدالنگی

یک روز مار و مارمولک با هم بازی می کردند. سه دختر با نام های مهسا، مریم و مهشید کنار محل بازی مار و مارمولک آمدند، ولی آنها را نمی دیدند. مهسا در حالی که می خواست قمقمه اش را بر روی میز بگذارد ناگهان روی دم مارمولک گذاشت. مار که خیلی عصبانی شده بود مهسا را نیش زد و

روزی روزگاری سه دوست بودند به نام های سارا، سمیه و سمانه. سارا از سمیه و سمانه سه سال بزرگتر بود. سارا برادری داشت به نام سامان و سمیه هم برادری داشت به نام سالار. اسم خواهر و برادر سمانه، سیاوش و ستایش بود. روز اول مدرسه فرارسید. سارا، سمیه و سمانه با هم به مدرسه رفتند. سه دوست، دختری تازه وارد دیدند. جلو رفتند و از او پرسیدند: «نام تو چیست؟» دخترک گفت: «نام من سهیلا است و گفت برادری دارم به نام ساسان. برادر من همکلاس برادران شما است.» و این طور بود که با هم دوست شدند. این سه دوست عاشق سبزیجات هستند و دوستان سهیلا رنگ های سرخ و صورتی و سبز را دوست دارد. سامان، سالار، سیاوش و ساسان برای تعطیلات آخر هفته با هم به سبزه زارهای قشنگی رفتند. سارا سمیه و سمانه و سهیلا هم دور هم جمع شدند و با هم برنامه کودک سیندلرا و سوفیا دیدند.

کار کلاسی با حرف م



یسنا جعفری

مریم و ملینا برای خرید لوازم تحریر به لوازم تحریری مرسنا رفتند. سلام کردند و شروع کردند به خرید. کمی گذشت و مدیر و معلم آنها هم به آن لوازم تحریری رفته بودند و بچه ها مدیر و معلم خود را دیدند و با آنها احوال پرسید کردند. مریم و ملینا خرید خود را انجام دادند و بعد با آنها خود خلاصی کردند و از مغازه بیرون آمدند. ملینا به مریم گفت: «رنگ قمقمه ات قشنگه!» مریم هم گفت: «امداد و رنگ قمقمه تو هم خوشگله!» همینطور که داشتند صحبت می کردند ملینا گفت: «مریم من خیلی پام درد گرفت این جا هیچ ماشینی پیدا نمیشه ما رو تا منزل ببره؟» مریم گفت: «نمی دانم حالا بیا جلوی سوپری، رو به رو سوپری محسن به سکو داره اونجا کمی بشنیم.» مدتی بعد پدر ملینا آمده بود به سوپری محسن که نان و تخم مرغ و مرغ بخرد. کمی جلو رفت و دخترش ملینا را دید و گفت: «مریم! ملینا! شما اینجا چه کار می کنین؟» ملینا گفت: «ما آمده بودیم لوازم تحریر بخریم. پدر ملینا خرید خود را انجام داد و مریم و ملینا را به منزل رساند.

برای اهوراجان در دنیای درک و کلمه باشد. روزی مردی داشت راه می رفت که یک چاله پیدا کرد و رفت به داخلش و یک زره پیدا کرد و آن را پوشید و تبدیل به ابر قهرمان شد. بعد دانشمندان در تلویزیون گفته بودند که امشب یک شهاب سنگ در راه است. و آن مرد رفت فضا و جلوی شهاب سنگ را گرفت و روز بعد یک پرتابگر قوی لیزری جلوش ایستاد و زره از هم پاشید و مرد در فضا جا ماند. یکی از دوستان آن مرد در فضا بود و او را گرفت. ابرقهرمان داستان ما در فضا بیهوش شد. خلاصه یک هفته در فضا مانده بود و دوستش از او مراقبت میکرد تا خوب شود. وقتی به هوش آمد با دوستش حرف زد و دوباره به خواب رفت. فضاپیما مثل شهاب سنگ به زمین آمد. ابرقهرمان بیمار شد. دوستش پشت شکان نشسته بود و او رفت داخل منبع نیرو و زره از هم پاشید. بعد از آن زره آن مرد را به موزه بردند و خود مرد دوستش را گرفت و به زمین آمد و به دوستش گفت در زمین بمان و خود او رفت در موزه دنبال زره و در قسمت عجایب پیدایش کرد و پوشید و دوباره تبدیل به ابرقهرمان شد و به مریخ سفر کرد.

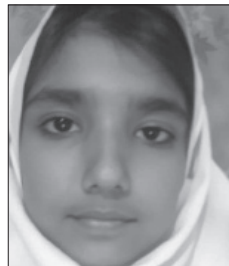
کار کلاسی با حرف سین



ملینا دادی نیا

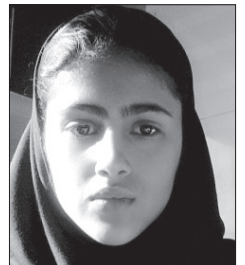
سلام من ملینا هستم. امسال برای سال نو سفره هفت سین پهن کردیم. من و دخترخاله ام ستایش پسته ها را در ظرف ریختیم و سیرها را در ظرف چیدیم. سارینا دوستم هم آمده بود. ستایش تازه با سارینا دوست شده بود. بعد از سال تحویل حسنا و خانواده به خانه ما آمدند. و ما هم به خانه حسنا رفتیم. من و حسنا با پوست های پسته کاردستی درست کردیم. من و حسنا و ستایش رقتیم به خانه مادر بزرگ. آنجا فضای خوب و سرسبزی دارد. مادر بزرگ هرسال سبزه های خیلی قشنگی پرورش می دهد. رقتیم هفت سین را ببینیم. دیدیم که نوه های مادر بزرگ یعنی دختر خاله ها و دختردایی ها همگی آمدند. مادر بزرگ سفره هفت سین خیلی قشنگی پهن کرده بود و ما دور سفره نشستیم. مادر بزرگ خیلی خوشحال بود و گفت: «حالا هفت سین من با وجود شما کامل شد و به ما نفری یک سبزه عیدی داد و گفت سال نو را به همه نوه ها و دوستان تبریک می گویم و سالی سرسبز و سرشار از سلامتی و تندرستی برای همه آرزو مندیم.

کار کلاسی با حرف س



فاطمه زهرا دیارگرد

ایوان جان استوار بمان و کمر خم نکن!



فاطمه زهرا ترابی

روزها و سال ها و ماه ها پیش تر بیگانه ای آتش به خرمن تخت جمشید انداخت و بیگانه ای دیگر سیل خون در جویبارها به راه انداخت. گاه سم اسبان قاتلان وطن! هیاهات که طوفان و گرد به بالا می کشید. چاه ها به خون می افتاد و کشت ها به شور. امروز که در روزگار نوترین فناوری ها و پریارتترین دانش ها زیست می کنیم؛ چاه ها به گورستان ها، زمین ها به شوره زارها، جویبار ها به بیابان ها و شهرها به ویرانه ها بدل شده اند. چگونه جنگل ها را به آتش خلیل الله بدل کنیم، که خداوند گلستانش را بر ما ببارد؟! انگار که ما سیاوش آتش به جان هستیم که باز هم تاریخ ما را به حکم پاکی دعوت می کند که: هیاهات ایران جان استوار بمان و کمر خم نکن!

فاطمه نام نیکو



حلمارسلوی

ای که من به قربان نام زیبایی شوم جان به جانت می دهم ای فاطمه بهترین مادر عمرم جان فدایت میشوم ای فاطمه ای که در دنیای بی روح جهانم، مرهمی کس ندارم جز خدا و جز شما ای فاطمه آموختم از حضرتم وقت نماز کز دعایم باشد اول دوستان بعدا خودم لقبیت زهرا و نامت فاطمه بهترین بانوی عالمی ای فاطمه



اهورا بالا خیلی

(این اولین متن اهوراجان، پایه دوم دبستان، برای روزنامه گلشن مهر است. بعد از این متنی از ایشان به مناسبت یلدا به دستمان رسیده بود که زودتر چاپ شد. این متن بدون ویرایش و وفادار به نوشته اصلی، به چاپ می رسد. امید است که این آغاز، شناخت خوبی



پاس در سه سوت نسخه را پیچید

بهنام نیک پیام

پاس گرگان ۳ رازین پلیمرتهران *

دورهفته نهم لیگ برتر والیبال ایران، تیم پاس گرگان مهمان خود رازین پلیمر را در سه دست پی در پی شکست داد. در این دیدار که هفتم دی ماه ۱۴۰۴ در گرگان برگزار شد تیم پاس باترکیب: مهدی ظفر، دانیال صادقی، کیارش حیدری، موعود آقاپور، میربابک موسوی، پارسا حیدری و لیبرو کمیل خجسته وارد زمین شد و تیم رازین پلیمر با ترکیب: یونس رضایی، آرمان آتش عین الدین، حامد نظری، رسول خریداری، محمد جلودانی، محمدآل جلیل و لیبرو علیرضا آقامجیدی در برابر پاس صف آرایی کرد. پاس که به علت نداشتن پشتوانه ی مالی و برای صرفه جویی در هزینه ها به اجبار طی هفت مسابقه ویه مدت ۲۹ روز خارج از گرگان دیدارهایش را برگزار کرده بود، در اولین دیدار خانگی با اقتدار در برابر حریف تهرانی قرار گرفت و در سه سوت و سه ست نسخه ی حریفش را پیچید. پاس در ست نخست ۱۹-۲۵ و در ست دوم و سوم به ترتیب ۱۷-۲۵ و ۲۲ رازین پلیمر را شکست داد که با این برد جایگاهش را در رده ی هشتم جدول تثبیت کرد. گرچه تیم تهرانی از بازیکنان نامداری برخوردار نبود اما نباید تلاش و همدلی بازیکنان و کادر فنی پاس را که مرهون زحمات دکتر عیسی سنگدوینی سر مربی این تیم است نادیده گرفت. زیرا تیمی که از کمترین حمایت و پشتیبانی برخوردار است و صرفا بابودجه ی اندک نیروی انتظامی پا به میدان مسابقات گذاشته تا همین جا هم شاهکار نموده است. با وضعیت فعلی هزینه های سرسام آور تیمداری، می



آن بیاید و قدری از مشکلات سنگین مالی آن ها بکااهد. البته در عمل نه فقط در حرف و شعار که شعار دادن از هر کسی بر می آید اما مردان عمل همواره اندکند و گاهی انگشت شمار امیدواریم که استاندار محترم و همچنین مسئولین محترم شهرستان

گرگان نیز بیشتر بخود بیایند و نگذارند بیش ازاین به تیم پاس فشار مالی وارد شود. ناگفته نماند که اگر تلاش عیسی سنگدوینی و حمایت رمضانعلی سنگدوینی نماینده ی مردم گرگان در مجلس نبود، شاید چند هفته پیش تیم پاس گرگان به معنای



واقعی به بن بست رسیده و احتمال منحل شدنش نیز زیاد بود! مسئولین محترم، با این توصیف همین امروز از تیم والیبال پاس گرگان حمایت کنید که فردا دیر است. بازهم به امید حمایت های شما می نشینیم و فردا را نظاره گر می شویم تا ببینیم

فاصله ی حرف تا عمل چقدر است؟ چه کسانی خوب حرف می زنند ؟ چه کسانی حرف خوب می زنند و چه کسانی بدون حرف و شعار در میدان عمل، به ورزش و ورزشکاران خدمت می نمایند؟ مهمان ویژه ی دیدار پاس گرگان و رازین پلیمرتهران دیدن برخی از چهره ها و ستاره ها در میادین ورزشی، همواره مورد رضایت و خوشنودی تماشاگران می شود. بوئزه هواداران و دوستداران رشته ای که بازیکن مورد علاقه ی آن ها در اماکن ورزشی حضور پیدا می کند بسیار خوشحال تر از سایرین می شوند. در جریان دیدار پاس گرگان و رازین پلیمر تهران، هادی خسروی بازیکن موثر و سرشناس تیم شیرکش و منتخب گرگان و مازندران در سالن حضور داشت که با استقبال خوب تماشاگران نسل طلایی گرگان روبرو شد. هادی خسروی بازیکن کوتاه و پریده زن دهه ی شصت گرگان که سال ها باتیم محله ی شیرکش و منتخب گرگان و مازندران در میدان ظاهر شده بود و بتازگی از هلند برای دیدار خانواده اش به گرگان آمده بود به همراه هم تیمی های سابقش حاج قربان نجفی سلطان توپ و تور و عزیزاله علینژاد پاسور خوش فکر گرگانی برای تماشای این دیدار لیگ برتری به سالن گرگان آمد و دیداری دوباره با تعدادی ازدوستان و تماشاگران داشت. و به قول خودش حال و هوایی تازه پیدا کرد و خاطرات دوران نوجوانی و جوانی را زنده نمود. برای این بازیکن خوب گرگانی که این روزها خارج از وطن بسر می برد، بهترین ها را آرزومندیم. ناگفته نماند که این هادی خسروی باجته ی فعلی صبدکیلی با آن هادی خسروی چابک و خوش پرش خیلی تفاوت دارد.

«آگهی ثبتی»

آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۵۲۰۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی سقانی فرزند عبدالحمید به شماره ملی ۲۲۴۹۸۳۹۱۷۴ و شماره شناسنامه ۶۴ صادره کردکوی یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۳۱۳/۷۲ مترمربع جزء پلاک ۱ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی لیوان خریداری از مالک رسمی مسعود ملاح و نجیمه جمال محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ مهدی شاه مهری- رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف: ۵۳۰:

آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۵۱۴۸ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی زینب کردی فرزند علی به شماره ملی ۰۳۸۴۶۲۵۲۶۶ و شماره شناسنامه ۲۵۵۲ صادره قم در ۹۴،۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین زراعی که باقیمانده ۲۵،۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم عرصه آن وقف است به مساحت ۵۴۹۳،۳۷ مترمربع جزء پلاک ۵ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی جفکانده خریداری از مالک رسمی محمد درزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ مهدی شاه مهری- رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف: ۵۱۶:

آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۵۱۸۵ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مراد مسگران فرزند رجبعلی به شماره ملی ۲۲۴۹۶۲۸۱۱۴ و شماره شناسنامه ۴ صادره کردکوی در ۹۹،۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که میزان ۲۰،۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم کل عرصه وقف عام است به مساحت ۲۰۱۹۳/۰۸ مترمربع جزء پلاک ۹ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی ولفراخرداری از مالک رسمی رجبعلی مسگران محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ مهدی شاه مهری- رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف: ۵۲۴:

آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۵۱۱۹ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی طیبه کثیر نوکنده فرزند قدرت به شماره ملی ۲۲۴۹۵۶۲۳۶۹ و شماره شناسنامه ۵۵ صادره کردکوی در ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۴۱۰۶/۴۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۲۵۵ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی نوکنده خریداری از مالک رسمی مرتضی و عیسی مردانی نوکنده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ مهدی شاه مهری- رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف: ۵۲۹:

آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۵۱۲۴ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی گلستان معقولی فرزند سیاوش به شماره ملی ۲۲۶۱۹۴۶۲۰۶ و شماره شناسنامه ۹۱۹ صادره قائمشهر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۵۰،۳۴ مترمربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۱۸ اصلی واقع در بخش ۲ قریه گز حوزه ثبت ملک بندرگز خریداری از مالک رسمی شعبان لیوانی نژاد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ مهدی شاه مهری- رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف: ۵۲۶:

روایتی از بچه‌های روستاهای محرومی که کتاب غیردرسی نخوانده بودند

کتابخانه سیاری که شوق خواندن آفرید



کتابخانه سیار تنها یک خودرو نیست؛ بلکه پلی است میان جهان‌های کوچک و بزرگ، میان رویاهای کودکان و امکاناتی که می‌تواند آینده‌ای روشن‌تر برای آنان رقم بزند

صعب العبور، کمبود نیرو انسانی کافی در کنار اقلام کمک آموزشی و سرگرمی و ... بخشی از مسائلی است که ما مربیان کتابخانه‌های سیار با آن روبه رو هستیم. شیخ همچنین گفت: چالش‌های فرهنگی و اجتماعی هم بخشی از مشکلات مربیان سیار است؛ زیرا از آنجایی که خیلی از مناطق روستایی سرانه مطالعه کتاب پایینی دارند، پذیرش این قبیل برنامه‌ها در آن مناطق به خصوص در ذهن والدین دشوار است و به نظرم باید فرهنگ سازی گسترده‌ای صورت بگیرد هرچند با توجه به نبود نیروی انسانی کافی برای محقق شدنش راه دشواری داریم. وی در پایان سخنانش با آرزوی روزهای خوش و پرامید برای کودکان مناطق کم برخوردار همراه با رونق بیشتر فرهنگ کتابخوانی، گفت: در این مدت سعی کردم به روستاهای مناطق محروم‌تر مثل روستاهای منطقه ینقاق، صادق آباد، محمد آباد، میرزاپانگ بیشتر بروم. او ادامه داد: روستاهایی محروم که در برخی از آن‌ها متوجه شدم تاکنون دانش آموزان در آنجا تقریباً هیچ کتاب غیر درسی را مطالعه نکردند و بعد از اینکه کتاب توزیع کردم، دیدم چقدر این بچه‌ها علاقه به کتاب دارند و اصرار داشتند که بیشتر به روستایشان سر بزنم و این موضوع خیلی من را ذوق زده کرد و انگیزه‌ام را برای ادامه خدمت بیشتر کرد.

افزود: به‌جز امانت کتاب، برنامه‌های دیگری با توجه به مناسبت‌های مختلف و جشنواره‌های متعدد انجام می‌دهم. به طور مثال در بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی، تعدادی از دانش آموزان این مدارس شرکت و آثار خودشان را به این رویداد ارسال کردند. همچنین در هفته کتاب و کتابخوانی، هفته کودک و مناسبت‌های دیگر در روستاها حاضر شدیم و در کنار عرضه کتاب، برنامه‌هایی چون مسابقه، قصه‌گویی، بازی‌های بومی محلی و دربرخی روستاها پرواز بادبک‌ها را انجام دهیم که جمله فعالیت‌هایی است که بچه‌ها را به وجد می‌آورد و امیدوارم بتوانم همیشه این توفیق وجود داشته باشد به طور مستمر به روستاها بروم و در کنار معلمان و مدیران مدارس فرزندان کتاب خوان تحویل جامعه دهیم.

حضور در روستاهای محروم از مطالعه آزاد

موسی شیخ در ادامه گفت‌وگو با تأکید بر اینکه در این عرصه در کنار تمام شیرینی‌ها و جذابیت‌هایی که وجود دارد؛ کمبودهای نیز به چشم می‌خورند که همیشه ما مربیان سیار با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم. وی درباره برخی از این کمبودها عنوان کرد: منابع مالی محدود و ناچیز، ضرورت وجود و داشتن خودروهای مناسب با توجه به شرایط، روستاها خصوصاً در مناطق

و با در اختیار داشتن حدود ۵ هزار جلد کتاب تاکنون موفق به جذب ۴۰۰ عضو شده است، گفت: کار فرهنگی با کودکان برای من از هر چیزی شیرین‌تر و آرامش بخش‌تر است، خصوصاً که در حوزه کتاب و کتابخوانی و برای کودکان و نوجوانان آن هم در مناطق محروم باشد. وی افزود: کودکانی که دسترسی به کتابخانه و کتاب‌های مناسب سن خود را ندارند و این مسئله اشتیاق من را خیلی بیشتر می‌کند. موسی شیخ ادامه داد: از زمانی که بنده توفیق داشتم در این عرصه ورود کنم با خیلی از معلمان و مدیران مدارس در این خصوص صحبت کردم و با توجه به اشتیاق و همکاری این عزیزان قرار داریم که به صورت روزانه و هفتگی در هر مدرسه حضور پیدا کنم و برای بچه‌های مدارس روستایی گالیکش کتاب ببرم تا استفاده کنند.

فرزندان کتابخوان به جامعه تحویل دهیم

موسی شیخ گفت: من حوالی ساعت ۸ صبح بعد از اینکه کتاب‌ها را از اداره تحویل می‌گیرم به سمت روستاها حرکت می‌کنم که با توجه به مسافت روستاها این مسافت از ۱۰ دقیقه تا نیم ساعت متغیر هست. سپس بعد از حضور در مدرسه با مراجعه به کلاس‌ها و البته ترجیحاً داخل حیاط مدرسه یا در فضای باز با بچه‌ها دیدار می‌کنم و به آنها کتاب امانت می‌دهم. وی

سید حسن حسینی نژاد- در برخی از روستاهای محروم گالیکش، دانش‌آموزانی وجود داشتند که سال‌ها هیچ کتاب غیردرسی نخوانده بودند اما کتابخانه سیار، شوق مطالعه و خواندن کتاب را در بچه‌ها به وجود آورد. به گزارش خبرنگاری کتاب ایران (ایبنا) - کتابخانه‌های سیار در سال‌های اخیر به یکی از کارآمدترین ابزارهای ترویج و تبلیغ کتابخوانی در مناطق دور دست و کم‌برخوردار تبدیل شده‌اند؛ جایی که بعضاً کمبود زیرساخت‌های فرهنگی، دسترسی به کتاب را دشوار می‌کند و حضور یک خودرو حامل کتاب می‌تواند دریچه‌ای تازه به آموزش، کشف استعدادها و تخیل و ... بگشاید. این کتابخانه‌ها هر روز مسیرهایی را می‌پیمایند؛ از کوه و دشت و جنگل گرفته تا مناطق سنگلاخ و حتی صعب‌العبور تا کتاب و اقلامی برای بازی و سرگرمی را به کودکانی برسانند که مجال رفتن به کتابخانه‌های ثابت و بهره‌مندی از امکاناتی برای یادگیری و سرگرمی را ندارند. کودکان و دانش‌آموزانی که در دیدارهای دوره‌ای با کتابخانه سیار و در آیینی جذاب، دل‌نشین، امیدآفرین و انگیزه بخش نه تنها فرصتی برای امانت گرفتن کتاب بلکه تجربه‌ای انگیزه‌بخش برای آشنایی با جهان‌های تازه را لمس می‌کنند و لحظاتی شاد و دور از دل و ذهن مشغولی‌های روزمره زندگی را می‌چشند. از سویی دیگر اهمیت این خدمت فرهنگی زمانی بیشتر به چشم می‌آید که بدانیم کتابخانه‌های سیار تنها نقش یک «امانت‌دهنده کتاب» را ایفا نمی‌کنند؛ بلکه حامل برنامه‌های کوچک اما اثرگذاری هستند که می‌تواند مسیر زندگی یک کودک دانش‌آموزی را تغییر دهد. همچنین کتابداران سیار که گاه نقش معلم، مشاور، دوست و شنونده‌ای صبور را نیز بر عهده دارند، به تدریج به چهره‌هایی آشنا و قابل اعتماد برای خانواده‌ها بدل می‌شوند و حضور منظم آن‌ها در این مناطق، حس تداوم، توجه و ارزشمندی را به کودکان منتقل می‌کند و به شکلی آرام اما عمیق، باور به اهمیت آموزش و مطالعه را در میان خانواده‌ها تقویت می‌سازد. در نتیجه، کتابخانه سیار تنها یک خودرو نیست؛ بلکه پلی است میان جهان‌های کوچک و بزرگ، میان رویاهای کودکان و امکاناتی که می‌تواند آینده‌ای روشن‌تر برای آنان رقم بزند. در همین راستا با موسی شیخ، مربی کتابخانه سیار روستایی شهرستان گالیکش در استان گلستان به گفت‌وگو نشستیم؛ کتابداری که هر چند به تازگی کارش را آغاز کرده اما در همین مدت کوتاه از نزدیک با نیازها، دغدغه‌ها و خوشی و ناخوشی‌های کودکان در مناطق کم‌برخوردار کاملاً آشنا شده است که در ادامه گوشه‌ای از تجربیات و خدمات فرهنگی‌اش را می‌خوانیم.

کار فرهنگی برای کودکان شیرین است

موسی شیخ، در ابتدا با اشاره به اینکه تقریباً از ابتدای سال جاری کارش را به عنوان مربی کتابخانه سیار روستایی شهرستان گالیکش کارش را آغاز کرده است